

بر اساس مبانی بشردوستانه وارد عرصه امداد رسانی در سوانح جاده‌ای شده‌اند. بررسی این موضوع در قوانین موضوعه ایران و مذاقه در قواعد و مقررات فقه امامیه نشان دهنده نتایجی غیر از آن چیزی است که در قوانینی مثل قانون مدنی ما آمده است. نتیجه تحقیق اثبات عدم ضمان نجاتگرانی است که در حین انجام وظایف نجاتگری خود موجب ایراد ضرر و خسارت مالی به اموال شخص مصدوم می‌شوند. پژوهش حاضر، تحقیقی تحلیلی عقلانی است که با مراجعه به متون اصیل اسلامی و قانونی انجام شده است.

روش‌ها: روش تحقیق، روشی تحلیلی و عقلانی می‌باشد و در آن از منابع فقهی و قانونی بهره‌برداری شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که در قوانین موضوعه ایران، ماده قانونی صریحی که در مورد ضمان یا عدم ضمان نجاتگرانی که در حوادث جاده‌ای به امر امداد رسانی مشغول هستند و به تبع و مناسبت این امر موجب ایراد خسارت به اموال مصدومین، به ویژه خودروی آنها می‌شوند نیامده و بدان هیچ اشاره‌ای نشده است.

نتیجه‌گیری: با بررسی برخی دلایل عقلی، فقهی و قانونی عدم ضمان نجاتگران در حوادث جاده‌ای اثبات گردید. توجه محاکم به آنچه که در این پژوهش آمده است می‌تواند چالش مطرح شده برای نجاتگران حوادث جاده‌ای را مرتفع کند و تبعات حقوقی دلسرد کننده را از آنان دور سازد.

کلمات کلیدی: ضمان، نجاتگر، امداد رسانی، امداد و نجات جاده‌ای.

بررسی فقهی و حقوقی ضمان یا عدم ضمان نجاتگران در عملیات‌های امداد و نجات جاده‌ای

زین العابدین زینالپور فتاحی^۱

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق، مدرس دانشگاه،

جمعیت هلال احمر شهرستان چابهار

E-mail: helale_mehr@yahoo.com

وصول مقاله: ۸۹/۹/۲۲ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۰/۱۵

چکیده

ضمان یا عدم ضمان نجاتگران در عملیات‌های امداد و نجات جاده‌ای که متعاقب ایراد ضرر و زیان مالی به خودروهای مصدومین در حوادث جاده‌ای بروز می‌کند چالشی حقوقی برای نجاتگرانی است که داوطلبانه و

مقدمه

امروزه حوادث رانندگی و مسائل مرتبط با آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه است و از ابعاد مختلف، پیامدها و آثار آن بر روی سلامت انسان‌ها، به ویژه آسیب‌دیدگان از این حوادث مورد کنکاش قرار می‌گیرد. در این میان موضوع امداد رسانی به حوادث جاده‌ای از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. به نحوی که سازمان‌های مزبور در صدد بالابردن کیفیت و سرعت خدمات‌دهی به آسیب‌دیدگان می‌باشند و نوعی رقابت مثبت در ارائه خدمات شکل گرفته است.

مهم‌ترین رکن یک سازمان امداد رسان، نیروی انسانی ماهر است. نیروی انسانی‌ای که گاه بنا به شرایط متنوع و پیچیده هر حادثه ممکن است با چالش‌های گوناگونی مواجه شود. یکی از این چالش‌ها، ایراد خسارت به خودروی مصدوم یا مصدومان حوادث جاده‌ای است که این امر گاهی اوقات موجب طرح دعوی مصدومان از آنان می‌شود و تبعات و مسئولیت حقوقی به دنبال می‌آورد. این مقاله در صدد بررسی و دقت در باب موضوع ضمان یا عدم ضمان نجات‌گرانی است که در حین و جریان امر امداد رسانی به آسیب‌دیدگان حوادث جاده‌ای، خواسته یا ناخواسته موجب وارد آمدن خسارت به مال یا اموال شخص مصدوم می‌شوند.

روش‌ها

روش تحقیق، روش تحلیلی و عقلانی می‌باشد و برای به دست آوردن نتایج دلخواه منابع فراوانی از قوانین موضوعه ایران و نیز کتب دست اول فقهی به صورت وسیع مورد کنکاش و مذاقه قرار گرفت. اطلاعات و داده‌های این تحقیق مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و مراجعه به کتب معتبر فقهی و حقوقی می‌باشد و متد استنباط و تحلیل عقلانی ابزار استنتاج نگارنده بوده است.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد که در قوانین موضوعه ایران، ماده قانونی صریحی که در مورد ضمان یا عدم ضمان نجات‌گرانی که در حوادث جاده‌ای به امر امداد رسانی مشغول هستند و به تبع و مناسبت این امر موجب ایراد خسارت به اموال مصدومین، خصوصاً خودروی آن‌ها می‌شوند نیامده و بدان هیچ اشاره‌ای نشده است. هر چند برای اثبات مسئولیت مدنی در این مورد به اطلاق قوانین مربوط به اتلاف و قانون مسئولیت مدنی که از عدم جواز ایراد خسارت به مال غیر حکایت دارد استناد می‌شود؛ اما ماده قانونی صریحی در این مورد به وسیله قانون‌گذار وضع نگردیده است و اینکه آیا به دنبال اجرای عملیات نجات به وسیله نجات‌گران، در صورت تشخیص لزوم ایراد خسارت برای نجات جان مصدومان و عدم امکان کسب رضایت از مصدومان گرفتار، آیا نجات‌گران از مسئولیت مدنی انجام کارشان مبرا هستند یا نه، اشاره‌ای نشده است. بدیهی است که وقتی مصدوم یا مصدومان از هوشیاری کافی برخوردار باشند و امر نجات، با اجازه ایشان انجام پذیرد مشکلی وجود ندارد و این مورد تخصصاً از موضوع مطروحه ما خارج است.

بحث

بحث اصلی در جایی است که مصدوم یا مصدومان از هوشیاری لازم برخوردار نیستند و نجات‌گران، انجام عملیات نجات و رهاسازی را به ناچار و الزاماً منوط به اقدامات زیانباری مانند برش یا ایراد خسارت به خودروی آسیب دیده تشخیص می‌دهند و نجات جان آنها را وابسته به آن می‌دانند. در این صورت آیا بعد از اتمام عملیات و نجات فرد مصدوم، اگر شخص رهاسازی شده و نجات یافته مدعی جبران خسارت شود آیا نجات‌گران ملزم به جبران خسارت خواهند بود؟ آیا می‌توان آنان را ضامن دانست؟ در حالی که گفته شد در منابع قانونی اشاره‌ای به این مورد نشده است.

مصدوم رها شود.

ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی ... موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». استنادکنندگان به این ماده قانونی برای اثبات مسئولیت مدنی نجاتگران عنصر «فقد قانونی» موضوع مطروحه را دلیل بر محکومیت نجاتگران برای جبران خسارت می‌دانند که این ماده با عنایت به دلایلی که ذکر خواهد شد، از ردیف مستندات دادرسی برای محکومیت نجاتگر خارج می‌شود. استناد به همین دلایل، به روشنی جواز قانونی اقدام برای نجات و رهاسازی مصدوم یا مصدومان در تصادفات جاده‌ای را اثبات خواهد کرد. هر چند انجام عملیات مزبور موجب ورود خسارت بر مال مصدوم شود. به بیان دیگر، عنصر «نامشروع بودن» فعل زیانبار، که مستند به فقد مجوز قانونی برای ایراد خسارت می‌باشد و برای ایجاد و اثبات مسئولیت مدنی لازم است، در این مورد به‌خصوص وجود ندارد.

آیا نجاتگری که علیه او برای جبران خسارت مالی طرح دعوی شده، جرمی مرتکب شده است؟ در ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی، سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد؛ مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد». وفق این ماده قانونی جنبه کیفری موضوع برداشته شده است؛ یعنی نجاتگر یاد شده را نمی‌توان به دلیل ایراد ضرر و زیان به مال یا اموال مصدوم یا مصدومان، مجرم تلقی و مجازات کرد. هر چند تبصره ماده فوق می‌گوید: «دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است». یکی از حقوقدانان درباره این ماده می‌نویسد: «منطقی نیست که اضطرار، مرتکب را از

در بند ۴ ماده ۱۶ آیین‌نامه مدیریت ایمنی حمل و نقل و سوانح رانندگی مصوب کارگروه توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت، که به امضای رئیس جمهور رسیده و در روزنامه رسمی منتشر و لازم‌الاجرا شده، آمده است: «تیم‌های عملیاتی و اجرایی رسیدگی به حوادث موظف به انجام اقدامات زیر می‌باشند: جستجو و نجات شامل اطفای حریق، امداد، نجات و رهاسازی در راه‌های برون‌شهری توسط تیم‌های عملیاتی و اجرایی سازمان امداد و نجات جمعیت». در بند ۳ ماده ۷ همین آیین‌نامه آمده است: «سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر موظف است اقدامات زیر را انجام دهد: ... انجام عملیات جستجو و نجات مصدومان و مجروحان گرفتار شده در حوادث رانندگی و ارائه طرح عملیاتی و همچنین اسکان اضطراری سانحه‌دیدگان» (۱). استناد به مواد قانونی فوق‌الذکر نشان می‌دهد که نجاتگران جمعیت هلال احمر از حیث قانونی مجاز به انجام عملیات «امداد، نجات و رهاسازی» در تصادفات جاده‌ای هستند و اقدامات آنها از لحاظ قانونی «مشروع» می‌باشد. اما با این حال مواد قانونی فوق تکلیف مسئولیت مدنی حاصل از وارد آمدن ضرر و زیان مادی به مال یا اموال مصدوم یا مصدومان را مشخص نکرده است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا نجاتگران اصولاً مجاز به ایراد خسارت در حد متعارف هستند؟ پاسخ این سؤال با قاعده فقهی «الاذن فی الشیء اذن فی لوازمه» داده می‌شود. معنای قاعده این است که «اذن در شیء، اذن در لوازم آن نیز هست». مفهوم این قاعده عقلانی این است که وقتی قانونگذار اذن و اجازه انجام عملیات امداد و نجات و رهاسازی را می‌دهد بالطبع به کارگیری لوازم و مقدمات و ضرورت‌های متناسب آن کار را نیز اذن داده است. این اذن، اذن ضمنی و تلویحی است که عقلاً نیز ثابت شده است. منطقی نیست که گفته شود قانونگذار اذن به رهاسازی مصدوم داده، اما بر فرض اجازه برش فرمان خودرو را نداده تا

مسئولیت کیفری معاف کند ولی مسئولیت مدنی را همچنان باقی گذارد» (۲). وی در ادامه می‌افزاید: «اگر رویه قضایی بتواند تبصره ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی را به این معنی بگیرد که مقصود معاف نشدن از ضمان، مربوط به «استفاده ناروا» است نه ضمان حاصل از اتلاف و تسبیب، عادلانه‌تر رفتار کرده است. در واقع، جمع احکام قوانین کیفری و مسئولیت مدنی نیز این اقتضا را دارد» (۲). مبنای این ماده قانونی قاعده «ضرورت» است. انسان برای حفظ جان یا مال خود یا دیگری بنا به ضرورت ممکن است مرتکب عمل مجرمانه‌ای شود که تحت شرایطی، مرتکب، در مقام ضرورت مستوجب کیفر نمی‌باشد. این ماده به صراحت مرتکب را از مجازات کیفری معاف دانسته است. البته این بحث در صورتی است که ما قائل به فقدان مجوز قانونی انجام عملیات نجات و رهاسازی توأم با ایراد ضرر و زیان باشیم. در حقوق اسلام، قاعده ضرورت پذیرفته شده است. قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» (ضرورت‌ها موجب مباح شدن محظورات می‌شوند) از قواعد مسلم فقه اسلامی است که بر این اساس ضرورت‌ها موانع قانونی را از میان بر می‌دارند. اینکه ایراد خسارت به مال یا اموال مصدوم به وسیله نجاتگران جمعیت هلال احمر، در حالت کاملاً ضروری می‌باشد شبهه‌ای وجود ندارد و هر عقل سلیمی اذعان دارد که تصمیم به ایراد ضرر و زیان، کاملاً در زمان ضرورت اتخاذ شده است و هدف آن نجات جان محترم انسان است پس به نظر می‌رسد: «طرح دعوای ضرر و زیان حاصل از جرم به عنوان مسئولیت مدنی مردود است» (۳). زیرا اولاً زیان دیده در ایجاد ضرورت ارتکاب عمل زیان‌آور به وسیله نجاتگران نقش داشته است؛ لذا خود باید عهده‌دار جبران خسارت وارده گردد. ثانیاً درخواست جبران خسارت از نجاتگران امری غیرمنصفانه و ناعادلانه است که عرف اجتماع آن را مورد مذمت و مؤاخذه قرار می‌دهد. قاعده ضرورت از جمله مهم‌ترین و

فراگیرترین قواعد فقهی است که مبحث مطروحه ما را نیز در بر می‌گیرد که با آیات و روایات متعدد، اعتبار آن تحکیم شده است که در این خصوص می‌توان به آیات ۷۸ سوره حج، ۱۱۹ سوره انعام، ۳ سوره مائده و ۱۷۳ سوره بقره اشاره کرد. حدیث معروف «رفع» و روایت ابی بصیر از امام صادق علیه‌السلام که فرمود: «لیس شیء مما حرم الله الا و قد احله لمن اضطر اليه؛ یعنی: هیچ حرامی نیست مگر آنکه خداوند آن را در حال ضرورت حلال کرده است». نیز از جمله احادیث در این مورد است (۴).

درست است که مواد قانونی از قبیل ماده ۳۲۸ قانون مدنی که می‌گوید: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است...» و ماده یک قانون مسئولیت مدنی، قانون و مبنایی کلی برای اثبات مسئولیت مدنی متلف است؛ اما این نکته را باید در نظر داشت که «در هر موردی که از کاری به دیگران زیان برسد مسئولیت مدنی ایجاد نمی‌شود. باید کار زیانبار در نظر اجتماع ناهنجار باشد و اخلاق عمومی ورود ضرر را ناشایست بداند» (۲). «پاره‌ای از افعال با اینکه موجب زیان دیگران است مسئولیتی به بار نمی‌آورد. در این‌گونه موارد به لحاظ طبیعت کاری که انجام شده یا به دلیل حکم قانون، نمی‌توان فعل ارتکاب شده را نامشروع دانست یا آن را تقصیر شمرد. به همین دلیل نیز مرتکب آن قابل سرزنش نیست و جبران خسارت از او خواسته نمی‌شود» (۲).

علاوه بر این، اسباب و مواردی وجود دارد که موجب اسقاط مسئولیت مدنی می‌شود که از آنها به «مسقطات ضمان قهری» تعبیر می‌گردد. قاعده ضرورت از جمله همین مسقطات ضمان است که اشاره شد. از دیگر موجبات اسقاط ضمان قهری قاعده «احسان» است که بنا به اهمیت مطلب به بیان اجمالی برخی از این قواعد پرداخته می‌شود:

قاعده فقهی «احسان»:

است که اگر فرد احسان کننده نسبت به عمل نیک خود مسئول تلقی شود با شخص غیرمحسن یکسان دانسته شده است. در حالی که روایت فوق این نحو عمل را نهی کرده است. ممکن است گفته شود که قاعده احسان با اطلاق قاعده اتلاف که مثبت ضمان است قابل توجه نیست. لکن باید گفت که قاعده اتلاف که از جمله مشهور «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» اخذ شده، روایت یا حدیث از معصومین علیهم السلام نیست و در هیچ یک از کتب روایی ما یافت نمی‌شود؛ لذا جمله فوق نمی‌تواند اطلاق داشته باشد تا گفته شود با عموم قاعده احسان در تعارض است.

قاعده فقهی «اعانت»:

یکی دیگر از قواعد فقهی که می‌توان با استناد به آن عدم ضمان در قضیه مطروحه را به دست آورد قاعده اعانت است. دلیل حجیت این قاعده آیه دوم سوره شریفه مائده است که می‌فرماید: «و تعاونوا علی البر و التقوی» یعنی «و باید شما در نیکوکاری و تقوی به یکدیگر کمک کنید». هر چند که در علم اصول فقه، امر، ظهور در وجوب دارد (۷) لکن بنا به گفته مرحوم بجنوردی در کتاب قواعد الفقهیه «از آنجایی که ما از خارج دلیلی داریم مبنی بر اینکه مطلق تعاون بر نیکوکاری و تقوی واجب نیست از ظهور جمله [بر وجوب] رفع ید می‌کنیم و آن را حمل بر استحباب می‌کنیم» هر چند همین استحباب بنا بر اذعان ایشان در برخی موارد شکل وجوب به خود می‌گیرد «مثل نجات غریق یا نجات شخصی که می‌سوزد و مانند اینها که تعاون و نیکوکاری به خاطر حفظ نفس محترم است» و در این حالت بر وجوبش اتفاق نظر وجود دارد.

با این بیان معلوم می‌شود که اولاً نجات جان مصدوم یا مصدومین در حوادثی مثل حوادث رانندگی یا آتش سوزی و غیره از جمله مصادیق روشن برّ و نیکوکاری می‌باشد و ثانیاً نجات جان انسان‌های گرفتار در این حوادث طبق بیان آیه واجب و ضروری است؛ زیرا نجات جان و نفس محترم انسان از واجبات است.

طبق این قاعده «هر کسی کار نیکی انجام دهد و بدون تعدی و تفریط زبانی به بار آورد مسئول و ضامن نخواهد بود» (۵). بر مبنای این تعریف قاعده احسان مسقط ضمان است. بدون شک، نجات جان مصدوم یا مصدومان در حوادث جاده‌ای نمونه بارز احسان و نیکوکاری در حق مصدومان می‌باشد و در محسن بودن و نیک بودن کار نجاتگران در حین عملیات امداد و نجات شبهه‌ای وجود ندارد. از ادله بسیار مهم حجیت این قاعده فقهی آیه ۹۱ سوره مبارکه توبه است که می‌فرماید: «ما علی المحسنین من سبیل» یعنی بر نیکوکاران از هیچ راه حرج و مواخذه‌ای نیست. به بیان دیگر اگر در جریان نیکوکاری، کاری سرزند که موجب نکوهش و مؤاخذه باشد چون از روی نیکوکاری و احسان صورت گرفته بر او مواخذه‌ای نخواهد بود و چون طلب خسارت و جبران آن از نجاتگران نوعی مواخذه و حرج محسوب می‌شود پس این نیز از آنان ساقط خواهد بود. به عنوان مثال وقتی مغازه شخصی آتش بگیرد و فردی به عنوان امدادگر یا نجاتگر برای نجات افراد، مجبور به شکستن در، یا تخریب بخشی از دیوار آن مغازه باشد نمی‌توان او را ضامن ایراد خسارت قلمداد کرد. در حوادث جاده‌ای نیز به طریق اولی چنین خواهد بود. زیرا نجات جان مصدوم که اولی بر هر چیز مادی است در گرو ایراد خسارت بوده است. در نامه معروف امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر نخعی آمده است: «ولا یکوئن المحسن والمسیء عندک بمنزله سواء فان فی ذالک تزهیداً لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریباً لاهل الاساءه علی الاساءه» یعنی «نباید نیکوکار و بدکار نزد تو مساوی باشند؛ زیرا در این صورت به نیکوکاران به خاطر احسان آنان سخت‌گیری شده و - به همین علت - به کار خیر بی‌رغبت می‌شوند و بر بدکاران نسبت به بدکاری آنان آسان گرفته می‌شود و آنان را به انجام کار بد وا می‌دارد» (۶). وجه استدلال به این روایت این‌گونه

بر همین اساس، که می‌توان آن را اماره‌ای از اذن و اجازه مصدومین فرض و استناد به عدم ضمان نجاتگران کرد.

نتیجه‌گیری

وفق دلایل متعددی مانند «ضرورت» و «احسان» که از مسقطات ضمان قهری بودند و از همه ملموس‌تر و مهم‌تر دلیل عقلی، این مطلب به اثبات رسید که نجاتگرانی که در جریان عملیات‌های نجات، برای نجات جان انسان‌ها، موجب ایراد خسارت یا خسارت‌هایی به مال یا اموال مصدوم یا مصدومین شوند در صورتی که اخذ رضایت و اجازه از آنان ممکن نباشد و نجات ایشان منحصر به ایراد خسارت یا خسارت‌های یاد شده باشد ضامن نیستند و از مسئولیت جبران خسارت مبرا می‌باشند؛ مگر اینکه اثبات شود در این امر تعدی یا تفریطی صورت گرفته و یا عملیات مورد نظر از حدود متعارف خارج شده است. در حالی‌که غالباً نجاتگران با رعایت اصول و مقررات استاندارد که در طی دوره‌های آموزشی به صورت علمی و عملی فرا گرفته‌اند در حد متعارف و معقول و منطقی اقدام به انجام عملیات نجات می‌کنند.

لذا این نتیجه به دست می‌آید که تقبیح و ضامن دانستن و درخواست جبران خسارت از نیکوکاری که قصد نجات جان انسانی را داشته و در حین عملیات نجات موجب ایراد خسارتی به اموال مصدوم شده، کاری پسندیده نیست. چنان‌که در قرآن کریم نیز آمده است که «هل جزاء الاحسان الا الاحسان» (۸). یعنی: آیا پاداش نیکی جز نیکی متقابل است؟

بنای عقلا:

یکی از ادله متقن و محکم در اثبات امور و ملاکی ارزشمند و حائز اهمیت، قبول عقلای عالم است. عقل آدمی ادعان داشته و تأیید می‌کند که هرگاه فرد نیکوکار و محسنی به عنوان کار نیک و خیرخواهانه و برای دفع ضرر و خسارتی مهم، مثل دفع خطر جانی از انسانی، دست به کاری بزند تا فرد مصدوم و گرفتار در خطر را نجات دهد و در این بین برای رسیدن به فرد مصدوم و نجات و رهاسازی او موجب وارد آوردن خسارت‌های به مال یا اموال فرد گرفتار شود نه تنها مستحق سرزنش و عقاب و جبران خسارت نیست بلکه مستحق تکریم و تعظیم است. به نظر می‌رسد همین دلیل از قدرت کافی برای اثبات این موضوع برخوردار است و کفایت کند که ما امدادگران و نجاتگران در معرض ضمانت و جبران خسارت حاصل از خسارت‌های وارده در حین عملیات‌های امداد و نجات را، معاف بدانیم و آنان را تبرئه کنیم. بدون شک هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که فردی را که برای کمک و نجات جان انسانی دست به کار شده و تلاشی کرده و در این میان مجبور به ایراد خسارت‌هایی هم شده، مستحق عقاب و سرزنش بدانیم و مجبور به جبران خسارت کنیم. هر چند امر غالبی در این قضیه آن است که عموم و مصدومین گرفتار و نیازمند امداد رسانی در حوادثی مثل حوادث رانندگی رضایت بر انجام عملیات نجات دارند و در اکثر اوقات هیچ مصدومی را نمی‌توان یافت که برای حفظ مال خود، اجازه نجات جان خودش را به نجاتگران ندهد!

References

1. Official Journal, No. 18726, Date: 2009/30/8 [In Persian].
2. Katouzian N, "Introduction to the study of law", Tehran, Sahami Publishing Co. 33th Edition, 2004 [In Persian].
3. Gadouzian I, "Iran Public Penalty law", 8th edition, Mizan publication, 2003 [In Persian].
4. Hor Ameli, Sheikh Mohammad ibn Hassan, "Wasael ush-Shia", Alolbeit Publication. First print, 1989
5. Mohammadi A, "Rules of jurisprudence", Tehran, Mizan publication, 10th Edition, 2009 [In Persian].
6. Sobhi, S, "Nahjolbalaghe" Qom, Islamic Publication Bureau, 1st Print, 1996 [In Persian].
7. Ansari, Morteza, Al-makasib and Al-rasael, Qom, Jame-e Modarresin publication, 2nd edition, 1998 [In Persian].
8. Qur'an, Surah Al-Rahman, verse 60